عشق و علاقه استاد بحکیم نظامی گنجوی

نجاتی، محمد علی

من بنده در سال 1305 شمسی بکار در مجله ادبی ارمغان را که با سلیقه و ذوقم‏ سازگاری داشت برگزیده و بکسب فیض از محضر استاد فقید وحید دستگردی نائل شدم و تا اواخر سال 1309 که بخدمت ژاندارمری در آمدم زیر نظر استاد بانجام امور داخلی مجله‏ و تصحیح و نشر آن نامه اشتغال داشتم و تا پایان زندگی استاد سال 1321 با شوق و شعف فراوان بدیدار ایشان میشتافتم و در جلسات انجمن حکیم نظامی که در منزل استاد تشکیل میشد شرکت میکردم.

از خصوصیات معنوی و احساسات قلبی ایشان آنچه دریافتم نخست توجه خاص و کوشش فراوان او در اعتلاء زبان و ادب فارسی و حفظ پاسداری آن از مداخله و دستبرد بیمایگان مغرض بود که در این امر نهایت سعی و تلاش خود را با تمام قوا بکار میبرد و نشر آثار سودمند بزرگان ادب و تعظیم و تکریم استادان مسلم سخن که بدان با صمیمیت و خلوص‏ عشق میورزید بویژه نسبت بحکیم نظامی گنجوی که او را از نظر شیوائی کلام و بلندی مقام‏ بر همه مقدم و ارجح میدانست و آثار او را با هیچیک از استادان ادب و گویندگان سخن‏ فارسی قابل مقایسه نمیشمرد در صفحات مجله ارمغان و مقدمه منظومه سرگذشت اردشیر نمودارهائی روشن و اشاراتی کافی درین باب موجود است که دلبستگی ایشان را بحکیم نظامی‏ و آثار او بطور واضح میرساند.

از خاطرات شیرین مربوط باین موضوع که بیاد دارم این‏که شبی در انجمن حکیم نظامی‏ استاد ابیاتی چند شیوا و دلپذیر از منظومه سرگذشت اردشیر را قرائت میکرد حاضران در انجمن‏ همگی شیفتهء آن اشعار شیرین و دلباخته آن سخنان دلنشین بودند ناگاه زنگ تلفن از اطاق‏ مجاور صدا کرد استاد برای جوابگویی به تلفن از جا برخاست و از انجمن بیرون رفت مرحوم‏ استاد عبرت نائینی در جلسه حضور داشت چون باطراف خود نگریست و استاد را ندید چنین گفت در حضورش نمیتوان گفت زیرا قلبا رنجیده میشود اما اکنون در غیابش بی‏ پروا میگویم شعرهای سرگذشت اردشیر وحید همپایهء اشعار نظامی بلکه صاف‏تر و روانتر است.

خاطرهء جالب دیگر استاد در ایام تابستان بمسافرت میرفت و در شهرستانها از جمله همدان و اصفهان و ایامی در شمیران و درکه بسر میبرد در غیاب ایشان کارهای مجله‏ عموما از قبیل طبع و نشر که مطالب آنها قبلا آماده شده بود همچنین مکاتبات و ثبت‏ و ضبط نامه‏ها و مقالات با بنده بود و دستورهای کتبی استاد را بکار می‏بستم،نامهء از اصفهان فرستاده بودند که دستور انجام چند قسمت از کارهای مجله را شامل بود از جمله‏ دستور داده بودند که با مراجعه بدوستان ادبی و نویسندگان مجله مقالهء تهیه شود درباره‏ فوت مرحوم ادیب پیشاوری که تازه در گذشته بود و از مقام علمی و ادبی او تعظیم و تکریم‏ بعمل آید و در مجله درج گردد پس از نگارش چند سطری درین موضوع یک باره از دستور پیشنهادی خود عدول کرده نوشته بودند ابدا از این مرد نامی در مجله برده نشود زیرا بیاد دارم که او گفت اگر ناظم بودن را بتوان شاعری بحساب آورد باید نظامی را هم‏ در ردیف شعرا شمرد این سخن بر من بسی گران آمد از او بهیچوجه اسمی در مجله بوده‏ نشود-این خاطراتی بوده در باره میزان دلبستگی عمیق و توجه خاص و علاقه مفرط استاد به حکیم نظامی گنجوی خدایش رحمت کناد که فیض و رحمت محض بود.

\*\*\* بقیهء از صفحهء 97 تمام تصحیح و تحشیه فرموده در کمال نفاست-به طبع رسانیده یا در جریان طبع آن‏ بودند.

آن مرحوم در عین حال سبب آشنائی من با شادروان شیخ الملک اورنگ و مرحوم حاج‏ سید نصر الله تقوی-و شیخ الرئیس افسر گردیدند.این اساتید آثار مرا می‏پسندیدند و تشویق مینمودند.

بخاطر دارم در یک دیدار گفتند خانه مرا در سوهانک دزد زده و قسمتی از اموال و آثار مرا برده‏اند.

من غزلی در این زمینه برای ایشان سرودم و این شعر از آن در خاطرم باقی است.

غم مخور گر دزد مالت را بسوهانک ربود ز آنکه سوهان تیغ هندی را جلا خواهد فزود

خدایش رحمت کناد.